

« دعای مَشْلُول »

موسوم به دعاء الشَّابِّ المَأخُوذِ بَذَنبِهِ منقول از کتب کفعمی و مهج الدعوات ، و آن دعائی است که تعلیم فرموده آنرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بجوانی که بواسطه گناه و ستم در حق پدر خویش شل شده بود پس این دعا را خواند در خواب حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را دید که دست بر اندام او مالید و فرمود محافظت کن بر اسم اعظم خدا که کار تو بخیر خواهد بود پس بیدار شد در حالتی که تندرست بود و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلْکَ یَا سَمِیْکَ بِسْمِ اللّٰهِ

خدایا از تو می خواهم به نامت بسم الله

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا حَیُّ لَا اِلهَ

الرحمن الرحیم ای صاحب جلال و بزرگواری ای زنده پاینده ای زنده ای که معبودی

اِلَّا اَنْتَ یَا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ مَا هُوَ وَ لَا کَیْفَ هُوَ وَ لَا اَیْنَ هُوَ وَ لَا حَیْثُ هُوَ

جز تو نیست ای کسی که جز او کسی نداند که چیست او و چگونه است او و در کجاست او و در کدام

اِلَّا هُوَ یَا ذَا الْمُلْکِ وَالْمَلْکُوْتِ یَا ذَا الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوْتِ یَا مَلِکُ یَا قُدُّوْسُ یَا

سو است ای دارای ملک و ملکوت ای دارای عزت و جبروت (قهر و قدرت) ای پادشاه جهان ای منزله از هر عیب ای

سَلَامٌ یَا مُؤْمِنُ یَا مَهْمِیْنُ یَا عَزِیْزُ یَا حَبَّارُ یَا مُتَكَبِّرُ یَا خَالِقُ یَا

سالم از هر نقص ای ایمنی بخش ای نگهبان ای عزیز ای دارای قهر ای با عظمت ای آفریننده ای

بَارِئُ یَا مُصَوِّرُ یَا مُعِیْدُ یَا مُدَبِّرُ یَا شَدِیْدُ یَا مُبْدِئُ یَا مُعِیْدُ یَا مُبِیْدُ

پدید آورنده ای صورت بخش ای سود دهنده ای تدبیر کننده ای محکم کار ای سبب آغاز خلقت و ای سبب پایان آن ای نابود کننده

یَا وَدُوْدُ یَا مَحْمُوْدُ یَا مَعْبُوْدُ یَا بَعِیْدُ یَا قَرِیْبُ یَا مُجِیْبُ یَا رَقِیْبُ یَا

ای محبت شعار ای پسندیده ای معبود خلق ای دور و ای نزدیک ای پاسخ دهنده ای نگهبان ای

حَسِیْبُ یَا بَدِیْعُ یَا رَفِیْعُ یَا مَنِیْعُ یَا سَمِیْعُ یَا عَلِیْمُ یَا حَلِیْمُ یَا کَرِیْمُ

حساب دارنده ای نوین آفرین ای رفیع مقام ای بلند مرتبه ای شنوا ای دانا ای بردبار ای کریم

یا حَکیمُ یا قَدیمُ یا عَلیُّ یا عَظیمُ یا حَنانُ یا مَنَّانُ یا دَیانُ یا

ای فرازه ای قدیم ای والا ای بزرگ ای مهرپیشه و ای نعمت بخش ای پاداش ده ای

مُسْتَعانُ یا حَلیلُ یا حَمیلُ یا وَکیلُ یا کَفیلُ یا مُقیلُ یا مُنیلُ یا نَبیلُ

یاری هسته شده ای پُر جلالت ای زیبا ای وکیل ای کفیل ای درگذرنده ای نعمت رساننده ای ماهر

یا دَلیلُ یا هادی یا بادی یا اَوَّلُ یا اَخرُ یا ظاهِرُ یا باطنُ یا قَایمُ یا

ای راهنما ای رهبر ای آغاز کننده ای اول ای آخر ای ظاهر ای باطن ای استوار ای

دَایمُ یا عالِمُ یا حاکِمُ یا قاضی یا عادِلُ یا فاضِلُ یا واصلُ یا طاهرُ

ابدی ای دانا ای حکم فرما ای داور ای دادگر ای جدا کننده ای پیوند کننده ای پاک

یا مُطَهَّرُ یا قادِرُ یا مُقتَدِرُ یا کَبیرُ یا مُتکَبِّرُ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ

ای پاکیزه ای توانا ای با اقتدار ای بزرگ ای با عظمت ای یگانه ای تک ای بی نیاز

یا مَن لَمْ یَلِدْ و لَمْ یُولَدْ و لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ و لَمْ یَکُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ

ای کسی که زایید و زائیده نشده و نیست برایش همتایی هیچکس و نیست برایش همسر و رفیقی

و لا کَانَ مَعَهُ وِزیرٌ و لا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشیرًا و لا اِحْتاجَ اِلی ظَهِیرٍ و لا

و نباشد با او وزیری و نگرفته برای خود مشاوری و نه نیازمند به کمک کاری است و نه

کَانَ مَعَهُ مِنْ اِلهٍ غَیْرُهُ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ فَتَعَالَتْ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ

معبودی جز او است شایسته ستایشی جز تو نیست پس تو برتری از آنچه ستمکاران گویند

عُلُوًّا کَبیرًا یا عَلیُّ یا شامِخُ یا باذِخُ یا فَتَاحُ یا نَفَّاحُ یا مُرتاحُ یا

بسیار برتر، ای والا ای بلند رتبه ای والا مقام ای گشاینده ای عطا بخشنده ای فرح بخش ای

مُعَرِّجُ یا ناصِرُ یا مُنصِرُ یا مُدْرِكُ یا مُهْلِكُ یا مُنتَقِمُ یا باعِثُ یا

گشایش دهنده ای یاور ای مددکار ای دریا بنده ای هلاک کننده ای انتقام گیرنده ای برانگیزنده ای

وارثُ یا طالِبُ یا غالبُ یا مَن لا یَعُوْثُهُ هَاربٌ یا تَوَّابٌ یا اَوَّابٌ

ارث برنده ای جوینده ای پیروزمند ای کسی که از دستش نرود گریز پایی ای توبه پذیر ای رجوع پذیر

يا وَهَّابُ يا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ يا مُعْتَبِحَ الْأَبْوَابِ يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ

ای بخشنده ای سبب ساز هر سبب ای گشاینده درهای بسته ای کسی که هر زمان بخوانندش

أَحَابَ يا طَهُورُ يا شَكُورُ يا عَفُوُّ يا عَفُورُ يا نُورَ النُّورِ يا مُدَبِّرَ

اجابت کند ای پاکی بخش ای پاداش ده شاکران ای درگذرنده ای آمرزنده ای نور روشنیها ای تدبیر کننده

الْأُمُورِ يا لَطِيفُ يا خَبِيرُ يا مُجِيرُ يا مُنِيرُ يا بَصِيرُ يا ظَهِيرُ يا كَبِيرُ يا

امور ای نعمت بخش ای بینا ای پناه ده ای روشنی ده ای بینا ای پشتیبان ای بزرگ ای

وَتُرُ يا قَرْدُ يا أَبَدُ يا سَدُّ يا صَمَدُ يا كَافِي يا شَافِي يا وافی يا

یگانه ای بی همتا ای جاویدان ای تکیه گاه ای بی نیاز ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای وفا دار ای

مُعافى يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ يا مُتَكَرِّمُ يا مُتَعَرِّدُ يا

صحت بخش ای نیکوکار ای زیب بخش ای نعمت ده ای فزون بخش ای بزرگوار ای یگانه شناخته شده ، ای که از برتری

مَنْ عَلا فَفَهَرَ يا مَنْ مَلَكَ فَعَدَرَ يا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ يا مَنْ عُدَّ فَشَكَرَ

بر همه قاهر است ای که فرمانروا است و نیرومند ای که در درونی و از درون آگاه ای بیرستندش و او پاداش دهد

يا مَنْ عَصِيَ فَعَقَرَ يا مَنْ لا تَحْوِيهِ الْعِكْرُ وَ لا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ وَ لا

ای که نافرمانیش کند و بیمارزد ای که در فکرها نگنجد و دیده ای او را درنیابد و هیچ

يَخْفَى عَلَيْهِ آثَرُ يا رازِقَ الْبَشَرِ يا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ يا عَالِيَ الْمَكَانِ يا

کاری بر او پنهان نماند ای روزی ده بشر ای اندازه گیر هر اندازه ای والا مکان ای

شَدِيدَ الْأَرْكَانِ يا مُبَدِّلَ الزَّمانِ يا قايِلَ الْقُرْبانِ يا ذَا الْمَنِّ

سخت قدرت ای جابجا کننده زمان ای قبول کننده قربانی ای دارنده نعمت

وَالْإِحْسانِ يا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطانِ يا رَحِيمُ يا رَحْمَنُ يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ

و احسان ای صاحب عزت و سلطنت ای بخشاینده ای مهربان ای که هر روز

فِي شَأْنٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ يَا عَظِيمَ الشَّأْنِ يَا مَنْ هُوَ يَكُلُّ

در کاری است ای که کاری از کار دیگر سرگرمش نکند ای بزرگ مقام ای که در هر

مَكَانٍ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ يَا

جا هستی ای شنوای هر صدا ای اجابت کننده دعاها ای برآورنده خواسته ها ای

قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ يَا مُقِيلَ

روا کننده حاجتها ای فرو فرستنده برکات ای رحم کننده بر اشکها (و گریه ها) ای نادیده گیر

الْعَثْرَاتِ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ يَا وَليَّ الْحَسَنَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا

لعزشها ای برطرف کننده ناراحتیها ای بدست دارنده نیکیها ای بالا برنده مقامها ای

مُؤْتِي السُّؤْلَاتِ يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا مُطْبِعًا عَلَيَّ

دهنده خواسته ها ای زنده کننده مرده ها ای گردآورنده پراکنده ها ای آگاه بر

النِّيَّاتِ يَا رَادًّا مَا قَدْ فَاتَ يَا مَنْ لَا تَشْتَبِيهِ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ يَا مَنْ لَا

نیتهای دل ای برگرداننده آنچه از دست رفته ، ای که صداها بر او مشتبه نشود ای که (زیادی)
خواهشها او را

تُضْحِرُهُ الْمَسْئَلَاتُ وَلَا تَغْشَاهُ الطُّلُمَاتُ يَا نُورَ الْأَرْضِ

به ستوه و خستگی در نیاورد و تاریکیها او را فرا نگیرد ای روشنی زمین

وَالسَّمَوَاتِ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا بَارِيَّ النَّسَمِ يَا جَامِعَ

و آسمانها ای سرشار دهنده نعمتها ای جلوگیری رنج و ملالها ای آفریننده انسان ای گردآورنده

الْأُمَّمِ يَا شَافِيَ السَّقَمِ يَا خَالِقَ الثُّورِ وَالطُّلَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ يَا

ملتها ای بهبودی ده بیماریها ای خالق روشنی و تاریکیها ای صاحب جود و کرم ای

مَنْ لَا يَطَّأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ يَا أَحْوَدَ الْأَحْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَسْمَعَ

که گامی به عرشش نرسد ای بخشنده ترین بخشندگان ای کریم ترین کریمان ای شنواترین

السَّمِيعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ

شنوایان ای بیناترین بینایان ای پناه پناه جویان ای ایمنی بخش ترسناکان

يا ظَهْرَ اللَّاحِئِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا غَايَةَ

ای پشت و پناه پناهندگان ای یاور مؤمنان ای فریادرس فریادطلبان ای منتها مقصود

الطَّالِبِينَ يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُوَسِيَ كُلِّ وَحِيدٍ يَا مَلْجَأَ كُلِّ

خواهندگان ای رفیق هر غریب و مونس هر تنها ای پناه هر

طَرِيدٍ يَا مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ يَا حَافِظَ كُلِّ ضَالَّةٍ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ

آواره ای جای ده هر گریخته ای نگهدار هر گمشده ای رحم کننده پیر کهن سال

يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا جَاوِدَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا فَائِدَ كُلِّ أَسِيرٍ يَا

ای روزی ده کودک خردسال ای پیوند دهنده استخوان شکسته ای رها کننده هر گرفتار دربند ای

مُعْنَى الْبَائِسِ الْعَقِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَهُ التَّنْذِيرُ

بی نیاز کن هر بینوای مستمند ای پناه ترسناک پناه جو ای که چاره اندیشی

وَالْتَقْدِيرُ يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى

و اندازه گیری کارها بدست او است ای که هر مشکلی برای او سهل و آسان است ای که بی نیازی از

تَفْسِيرٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ هُوَ يَكُلُّ شَيْءٍ خَبِيرٌ يَا

شرح و تفسیر ای که بر هر چیز توانایی ای که بهر چیز خبیر و آگاهی ای

مَنْ هُوَ يَكُلُّ شَيْءٍ بَصِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيحِ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ يَا بَاعِثَ

که به هر چیز بینایی ای فرستنده بادهای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزنده

الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَّاحِ يَا مَنْ يَبْدَهُ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا سَامِعَ كُلِّ

جانها ای صاحب جود و سخا ای که بدست قدرت او است هر کلید ای شنونده هر

صَوْتٍ يَا سَابِقَ كُلِّ قَوْتٍ يَا مُحْيِيَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا عُدَّتِي

صدا ای جلوتر از هر گذشته ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ ای ذخیره من در روز

فِي شِدَّتِي يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي يَا مُوَسِي فِي وَحْدَتِي يَا وَلِيَّي

سختی و دشواری ای نگهدارم در روز غربت و بی کسی ای همدم در تنهایی ای ولی

فِي نِعْمَتِي يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تُسَلِّمُنِي الْأَقْرَابُ

نعمتم ای پناهگاه من در آن هنگام که راهها مرا مانده و خسته کنند و نزدیکان

وَ يَخَذُلْنِي كُلُّ صَاحِبٍ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَدَّ مَنْ لَا سَدَّ لَهُ

مرا واگذارند و هر رفیق و دوستی دست از یاریم بکشند ای تکیه گاه هرکس که تکیه گاهی ندارد ای پشتوان آن کس که پشتوانه ندارد

يَا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ

ای ذخیره تهیدستان ای نگهدار کسی که نگهداری ندارد ای پناهگاه آن کس که پناهگاهی ندارد

يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ

ای گنج بی گنجان ای پایه محکم آن کس که پایه محکمی ندارد ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد

يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ يَا جَارِيَ اللَّصِيقَ يَا رُكْنِي الْوَثِيقَ يَا إِلَهِي

ای همسایه بی همسایگان ای همسایه به من پیوسته ای رکن استوار من ای معبود

بِالتَّحْقِيقِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ فُكْنِي مِنْ حَلْقِ

مسلم من ای پروردگار خانه کعبه ای مهربان ای رفیق آزادم کن از حلقه های

الْمَضِيقِ وَأَصْرَفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ ضِيقٍ وَ أَكْفِنِي شَرَّ مَا لَا أُطِيقُ

تنگ (روزگار) و بگردان از من هر غم و اندوه و فشاری را و کفایت کن مرا از هر چه طاقتش را ندارم

وَاعِنِّي عَلَى مَا أُطِيقُ يَا رَادَّ يَوْسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ يَا كَاشِفَ ضُرِّ

و یاریم کن بر آنچه طاقتش را دارم ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی ای که ایوب را از گرفتاری

أَيُّوبَ يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ يَا رَافِعَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ مُنْجِيَهُ مِنْ

نجات بخشیدی ای آمرزنده خطای داود ای بالا برنده عیسی بن مریم و نجات دهنده او از

أَيْدِي الْيَهُودِ يَا مُجِيبَ نِدَاءِ يُونُسَ فِي الظُّلُمَاتِ يَا مُصْطَفَى

دست یهود ای پاسخ دهنده آواز یونس در تاریکیهای دریا ای برگزیننده

مُوسَىٰ يَا لِكَلِمَاتِ يَا مَنْ عَفَرَ لِيَادَمَ خَطِيئَتَهُ وَرَفَعَ إِدْرِيسَ مَكَانًا

موسی (بوسیله سخن گفتن) بدان کلمات ای که بخشیدی بر آدم خطایش را و ادیس را از رحمت خویش به جایی

عَلِيًّا بِرَحْمَتِهِ يَا مَنْ نَجَّى نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ يَا مَنْ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ

بلند بردی ای که نوح را از غرق نجات دادی ای که قوم عاد قدیم را هلاک کردی

وَ تَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغَىٰ

و ثمودیان را باقی نگذاشتی و پیش از آنها قوم نوح را که آنها ستمگرتتر و سرکش تر بودند

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ يَا مَنْ دَمَرَ عَلَىٰ قَوْمٍ لُوطٍ وَ دَمَمَ عَلَىٰ قَوْمٍ

و دهکده های واژگون را بیفکندی ای که نابودی بر قوم لوط فرستادی و هلاک کردی قوم

شُعَيْبٍ يَا مَنْ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا يَا مَنْ اتَّخَذَ مُوسَىٰ كَلِيمًا وَ اتَّخَذَ

شعیب را ای که ابراهیم را خلیل گرفتی ای که موسی را هم سخن خود ساختی و

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ حَبِيبًا يَا مُؤْتِي لُقْمَانَ

محمد صلی الله علیه و آله را حبیب خود کردی ای که به لقمان

الْحِكْمَةَ وَ الْوَاهِبَ لِسُلَيْمَانَ مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِإِحْدٍ مِنْ بَعْدِهِ يَا مَنْ

حکمت عطا کردی و به سلیمان فرمانروایی و پادشاهی آن چنانی دادی که برای هیچکس پس از او

نَصَرَ ذَا الْقُرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ يَا مَنْ أَعْطَى الْخَضِرَ الْحَيَوَةَ

شایسته نبود ای که ذوالقرنین را بر پادشاهان سرکش یاری دادی ای که به خضر آب حیات دادی

وَرَدَّ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِهَا يَا مَنْ رَبَطَ عَلَى قَلْبِ أُمَّ

و برای یوشع بن نون آفتاب را پس از غروب کردن برگرداندی ای که به دل مادر موسی آرامش بخشیدی

مُوسَىٰ وَ أَحْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ يَا مَنْ حَصَّنَ يَحْيَىٰ بِنَ

و دامن مریم دختر عمران را از آلودگی نگهداشتی ای که یحیی بن

زَكَرِيَّا مِنَ الدَّنْبِ وَ سَكَّنَ عَنْ مُوسَى الْعَصَبَ يَا مَنْ بَشَّرَ زَكَرِيَّا

زکریا را از گناه حفظ کردی و خشم موسی را فرو نشاندی ای که زکریا را به ولادت

يٰٓيَحْيٰى يٰٓمَنْ قَدْ اٰتٰنَا الْحَيٰةَ الْكٰرِيْمَةَ ۗ لَقَدْ اٰتٰنَاكَ حَيٰةً اٰتٰنَا نَحْنُ الْعٰزِمُونَ ۗ وَاٰتٰنَاكَ الْوَحْيَ ۗ وَجَعَلْنَا لَكَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ ۗ وَجَعَلْنَا لَكَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ ۗ

یحیی مژده دادی ای که اسماعیل را به آن ذبح عظیم فدا فرستادی ای که قربانی

هَابِلَ وَجَعَلَ الْلَعْنَۃَ عَلٰى قَابِلَ يٰ هٰازِمَ الْاٰحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

هابیل را پذیرفتی و لعنت را بر قابیل مقرر ساختی ای پراکنده کننده احزاب برای پشتیبانی محمد صلی
الله

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

علیه و آله درود فرست بر محمد و آل محمد و بر تمامی رسولان

وَمَلٰٓئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَاَهْلَ طَاعَتِكَ اٰجْمَعِيْنَ وَاَسْئَلُكَ يٰكُلَّ مَسْئَلَةٍ

و فرشتگان مقرب و همه آنان که فرمانبرداری تو کنند و از تو می خواهم به هر سؤالی

سَأَلْتُكَ بِهَا اَحَدٌ مِّمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ فَحَتَمْتَ لَهُ عَلٰى الْاِجَابَةِ يٰ اللهُ يٰ

که از تو می کنند هر يك از آن اشخاصی که از آنها راضی هستی و در نتیجه اجابت را برایش مسلم
کردی ای خدا ای

الله يٰ اللهُ يٰ رَحْمٰنُ يٰ رَحْمٰنُ يٰ رَحْمٰنُ يٰ رَحْمٰنُ يٰ رَحْمٰنُ يٰ رَحْمٰنُ يٰ رَحْمٰنُ

خدا ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان

يٰ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يٰ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يٰ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری

يَه يَه

بدان بدان بدان بدان بدان بدان تو را می خوانم به حق هر نامی که خود را بدان نامیدی یا در

شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ اَوْ اسْتَأْتَرْتَ يَه

یکی از کتابهای خود آن را نازل کردی یا آن را در علم غیب برای خویشتن برگزیدی و بدان وسائلی که

مِنْ عَرْشِكَ وَاَمْنَتِهِ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاَمَّا لَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ

عرشت را عزت بخشید و به منتهای رحمت از کتابت و بدانچه ((اگر

مِنْ شَجَرَةِ أَقْلَامٍ وَالْبَحْرِ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا تَعِدَّتْ كَلِمَاتُ

هر درختی که در زمین است قلم باشند و دریا با هفت دریای دیگر که آن را کمک دهند مرکب بود کلمات

اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَ أَسْئَلُكَ يَا سَمَاءُكَ الْحُسْنَى الَّتِي نَعْتَهَا فِي

خدا تمام نمی شد براستی خدا نیرومند و فرزانه است ((و از تو می خواهم به حق آن نامهای نیکویت که در

كِتَابِكَ فَقُلْتَ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى قَادِعُوهُ بِهَا وَ قُلْتَ أَدْعُونِي

قرآن توصیفشان کرده ای و فرموده ای : ((وبرای خدا است نامهای نیکو پس او را بدان نامها بخوانید)) و باز فرمودی ((مرا بخوانید

أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَ قُلْتَ وَ إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَأَنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ

تا اجابت کنم شما را)) و نیز فرمودی ((و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند پس من نزدیکم و پاسخ دهم

دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ وَ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ

دعای خواننده را هنگامی که مرا بخواند)) و فرمودی ((ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف و زیاده روی کردید

لَا تَغْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ

از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را بیامرزد و او است آمرزنده

الرَّحِيمِ وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ وَ أَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي

مهربان)) و من از تو می خواهم ای معبودم و می خوانم پروردگارا و امیدوار توام ای آقای من

وَ أَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا

و از تو طمع اجابت دارم ای مولای من چنانچه به من وعده داده ای و من تو را خواندم چنانچه

أَمَرْتَنِي فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

به من دستور دادی پس انجام ده درباره من آن آنچه را تو شایسته آنی ای کریم وستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد و آلش همگی.

پس ذکر کن حاجت خود را که برآورده است ان شاء الله تعالی ، و در روایت مهج الدعوات است که
نمی خوانی این دعا را مگر آنکه با طهارت باشی.